



## چهارطاقی: سابقه کاربرد واژه و صورت

فاطمه گلدار<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری معماری در دانشگاه شهید بهشتی

(رایانامه: Fa.goldar@gmail.com)

### چکیده

چهارطاقی گونه‌ای از آثار معماری است که قرن‌هاست در تاریخ معماری ایران حضور داشته است. از مهمترین دوره‌های کاربرد آن دوره ساسانیان است. در این دوره چهارطاقی در مواردی به صورت بنایی گنبددار، متشکل از گنبدی نشسته بر قاعده مربعی که بر چهار طاق متکی است و در موارد دیگر احاطه شده با فضاها و بناهایی به کار می‌رفته است. گذشت زمانی طولانی از دوره ساسانیان و متروک و ویران شدن شمار زیادی از چهارطاقی‌ها به فراموش شدن کارکرد اصیل آنها منجر شده است به طوری که امروزه کارکردهای متفاوتی به آنها نسبت داده می‌شود؛ از جمله: آتشکده، معبد، مقبره، علامت و نشانه راه، محل خبر رسانی با دود و آتش، و تقویم نجومی. اما به راستی کارکرد اصیل چهارطاقی‌ها چیست؟ کدام یک از کارکردهای مفروض اصالت دارد؟ و آیا کارکرد ابنیه چهارطاقی به موارد ذکر شده خلاصه می‌شود؟ با توجه به گذشت زمانی طولانی از احداث و متروک شدن بسیاری از چهارطاقی‌ها و فراموش شدن کارکرد اصیل آنها، پیش از بررسی چهارطاقی‌ها از نظر کالبدی و کارکردی، ضرورت دارد به واژه چهارطاقی و معانی آن و نیز سابقه کاربرد چهارطاقی پرداخته شود. به همین منظور نوشتار حاضر برای آماده ساختن زمینه بحث درباره چهارطاقی‌ها به سابقه کاربرد واژه و صورت چهارطاقی اختصاص یافته است. از نتایج این تحقیق آن است که علاوه بر روشن شدن معنا و سابقه کاربرد این صورت از بناهای معماری، زمینه تحلیل کارکردی آن و نیز نقد آراء و اقوال موجود درباره چهارطاقی در دیگر نوشتارها فراهم می‌شود.

واژگان کلیدی: چهارطاقی، چارطاقی، واژه، معنا، صورت

**Chahar-taq: the History of Word and Form****Fatemeh Goldar****Ph.D candidate in Shahid Beheshti University****(Email: Fa.goldar@gmail.com)****Abstract**

Chahar-taq is a kind of architectural work which is manifested in Iran's architectural history for centuries. One of the main epochs in which it has been used, is Sassanid. In this era in some cases Chahar-taq was in the form of dome structures, which is placed on a square and in some other cases it is surrounded with other constructions. After passing along time from Sassanid epochs, a large number of Chahar-taqs were deserted and ruined, and the authentic application of them is now disremembered, so that different applications are attributed to them: Zoroastrian temples, was sanctuary, sign and indicator of way, a place for announcing with smoke and fire, and astronomical calendar. Therefore what is the authentic application of Chahar-taqs? Which of the mentioned applications are genuine? And whether or not the application of Chahar-taqs is summed up to the mentioned instances? To answer the above questions it is necessary to pursue the history of Chahar-taqs name (word) and form. In order to prepare the background, this paper discussing the history of using the word and form of Chahar-taq.

**Keywords:** Chahar-taq, Word, Meaning, Form**۱- مقدمه**

چهارطاقی از کهن‌ترین و رمزآمیزترین گونه بناهای تاریخ معماری ایران است. تا کنون ده‌ها بنای تاریخی با طرح چهارطاقی که متشکل است از گنبدی بر فراز چهار ستون که با چهار طاق به هم پیوند خورده‌اند در جای جای ایران زمین شناسایی شده است. مسلماً ده‌ها چهارطاقی دیگر نیز در نقاط دیگر این سرزمین موجود است و هنوز به فهرست چهارطاقی‌های شناسایی شده افزوده نشده است. ضمن آنکه تعداد دیگری چهارطاقی باستانی با اعمال تغییراتی در طرح و صورت در دل بناهای دیگر، خصوصاً بناهای دوره اسلامی پنهان شده‌اند که برای شناسایی آنها به تحقیقات باستان‌شناسانه نیاز است.

چنین بناهایی که به وفور در نقاط مختلف سرزمین ایران یافت می‌شود حامل رازهای فراوانی است - از زمان دقیق ساخت تا کارکرد(ها) و سازندگان و حامیان ساخت و شیوه‌های احداث و معانی مستتر در آن. مجموعه رازها و ابهام‌های موجود در بناهای چهارطاقی را نمی‌توان یک‌باره پاسخ گفت. برای نزدیک شدن به رمزگشایی این بناها، ضرورت دارد گام‌به‌گام به آنها نزدیک شد و پرسش‌هایی را پاسخ گفت. برای این منظور در نوشتار حاضر از معنای چهارطاقی، سابقه کاربرد واژه چهارطاقی، دیگر واژگان احتمالی برای نامیدن بناهای چهارطاقی، و سابقه کاربرد صورت چهارطاقی سخن گفته می‌شود.

«چهارطاقی»، به سبب آنکه حامل هیچ‌گونه پیش‌داوری کارکردی درباره بناهای مورد نظر نیست، در این نوشتار برای نامیدن بناهایی با طرح مربع و پوشش گنبدی که بر چهار طاق واقع شده‌اند برگزیده شده است. دیگر نام‌های رایج برای نامیدن چهارطاقی‌ها از جمله آتشکده و آتشگاه با پیش‌داوری درباره کارکرد این ابنیه همراه است؛ این درحالی است که آتشکده یا آتشگاه بودن این بناها محل تردید است و به تحقیق و اثبات نیازمند است.

دنبال کردن سابقه کاربرد نام ابنیه چهارطاقی در متون به‌جا مانده از دوره ساسانیان — از جمله در متون دینی و نامه‌های باستانی و کتیبه‌ها — و نیز متون سده‌های نخست اسلامی به انجام خواهد رسید. این متون از منظر نام‌هایی که برای نامیدن بناهایی با طرح چهارطاق به کار رفته است بررسی می‌شود. چنانچه نامی به‌دقت با طرح بناهای چهارطاق مطابقت داشته باشد آن نام از اصالت بیشتری برای نامیدن این ابنیه برخوردار خواهد بود؛ اگر نام‌هایی در این متون یافت شود اما نتوان به‌دقت آنها را به طرح بناهایی چون چهارطاقی نسبت داد، صرفاً می‌توان از آنها به عنوان احتمالاتی برای پیشینه نامیدن بناهای چهارطاق یاد کرد که برای تدقیق قضاوت درباره آنها به گذر زمان و تکمیل تحقیقات در این زمینه نیاز است. سابقه احداث بناهای چهارطاقی در تاریخ معماری ایران نیز بنا بر تحقیقات باستان‌شناسان تعیین خواهد شد؛ پیشینه‌ای که ممکن است با تکمیل تحقیقات محدوده زمانی متفاوتی بیابد. آنچه مسلم است گذشته از تعیین زمان برای احداث نخستین چهارطاقی‌ها، مهم‌ترین و پررونق‌ترین زمان ساخت چهارطاقی به دوره حکومت ساسانیان بازمی‌گردد. ضمن آنکه در دوره اسلامی نیز چهارطاقی‌هایی با تناسب ظریف‌تر و معمولاً در ترکیب با فضاهای دیگر به وفور احداث شده است که حاکی از تداوم کاربرد طرح بناهای چهارطاقی است.

## ۲- روش تحقیق

تحقیق حاضر به دو روش مطالعات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای به‌انجام رسیده است. مطالعات میدانی نگارنده برای مواجهه مستقیم با بناهای باستانی چهارطاقی و نیز یافتن چهارطاقی‌ها در نقاط مختلف ایران زمین صورت گرفته است. بررسی میدانی با نقشه‌برداری دقیق و تصویربرداری از منظرهای مختلف همراه شده که در تکمیل تحقیقات چهارطاقی‌ها به کار خواهد آمد.

برای یافتن سابقه نامیدن بناهای چهارطاق در مطالعات کتابخانه‌ای منابع به‌جا مانده از دوره ساسانی، از جمله متون دینی — چون خرده اوستا، گات‌ها، وندیداد، یسنا، یشت‌ها — و متون تاریخی — چون نامه اردشیر پاکان و سنگ‌نوشته‌ها — بررسی شده است. در فقره‌ای از این بررسی، بنایی با صورت چهارطاقی یافت شد که بدون آنکه نامی بر آن نهاده شود توصیف شده بود؛ همچنین بناهایی بدون آنکه وصفی از کالبد آنها به‌میان آید یا از مکان آنها خبر داده شود، با عنوان آتشگاه و آتشکده خوانده شده بود؛ که هیچ یک از موارد یافته شده به تدقیق نامیدن بناهای چهارطاقی کمک نمی‌کرد. علاوه بر منابع ساسانی، متون سده‌های

نخست اسلامی نیز برای یافتن اطلاعاتی در زمینه نام بناهای چهارطاق جستجو شد. برای این منظور از نرم‌افزار جامع جغرافیای جهان اسلام از محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بهره گرفته شد. علاوه بر این برای تعریف واژه چهارطاقی به کتب مرجع لغت‌نامه رجوع شده است. امید است تحقیقات انجام شده در روشن‌تر کردن مبحث بناهای چهارطاق در تاریخ معماری ایران مفید واقع شود.

### ۳- سابقه کاربرد واژه چهارطاقی

#### ۳-۱- معنای واژه چهارطاقی:

چهارطاقی<sup>۲</sup> واژه‌ای است حامل چند معنا که برای نامیدن گونه‌ای بنا، نوعی خیمه، نوعی کلاه، و اسامی علم — نام چند روستا — به کار می‌رود و معانی کنایی نیز از آن برداشت می‌شود. لغت‌نامه‌ها بنای چهارطاقی را این چنین تعریف کرده‌اند:

قبه و گنبدی که بر چهار پایه و ستون استوار شود و از هر جانب طاقی هلالی دارد و هر یک از طاق‌های چهارگانه بر دو پایه و ستون نهاده شود و سقف و گنبد بر این پایه‌ها و طاق‌ها قرار گیرد (دهخدا ۱۳۷۲، ذیل «چهارطاقی»). سقف یا گنبدی که بر روی چهار پایه بنا شده و چهار طرف آن باز باشد (معین ۱۳۶۳، ذیل «چارطاق» و عمید ۱۳۵۸، ذیل «چارطاقی»).

بنایی مربع میانه — نه کوچک و نه بزرگ — که بر سر گور مردگان سازند (معین ۱۳۶۳، ذیل «چهارطاقی»). بنایی مانند این — چهارطاقی — که بر سر قبرها کنند بی دیوار. طاقی بر چهار ستون نهاده بی دیواری و غالباً آن را بر سر گورها سازند.

بیرون رود ز زیر فلک مشت خاک ما / گو چارطاقی‌ای بر سر خاک ما می‌پوش (قاسم مشهدی) (دهخدا ۱۳۷۲، ذیل «چهارطاقی»)

اتاقی که در بالای سرای‌ها بر چهار ستون بنا کنند. طاقی که بر چهار پایه استوار باشد بی دیوار (دهخدا ۱۳۷۲، ذیل مدخل «چارطاق»).

در این تعاریف، ویژگی‌های کالبدی چهارطاقی‌ها مطرح شده است؛ بنایی مربع شکل دارای گنبد، چهار ستون، چهار طاق، و بدون دیوار. در این نوشتار از چهارطاقی همین معنا را اراده کرده‌ایم؛ با این تفاوت که این نوع بنا را نه فقط در صورت منفرد آن (مانند نیاسر) بلکه در صورت‌های مرکب — چهارطاقی محاط در فضاهای دیگر، مانند بازه هور — و صورت‌های مجموعه‌ای — چهارطاقی واقع در مجموعه‌ای مفصل از بناها، مانند آتشکده آذر گشنسب — آن نیز «چهارطاقی» شمرده و در زمره این تحقیق آورده‌ایم.

چهارطاقی‌ها به نام‌هایی چون آتشکده، آتشگاه، معبد، قلعه، قصر و بقعه شهرت دارند. هر یک از این نام‌ها برگرفته از ماهیت و محتوایی است که به این ابنیه نسبت می‌دهند. نام چهارطاقی از آن جهت برای نامیدن

این گونه ابنیه در این تحقیق انتخاب شده است که حامل پیش‌داوری کارکردی نیست و برگرفته از صورت بناهای چهارطاقی است؛ نه محتوا و ماهیت آن.

### ۳-۲- سابقه کاربرد واژه چهارطاقی در متون:

برای دریافتن سابقه کاربرد واژه چهارطاقی،<sup>۳</sup> متون ساسانی و اسلامی بررسی شده است. در متن‌های ساسانی — کتیبه، سکه، کارنامه اردشیر پاپکان و متون دینی — واژه چهارطاقی و نیز واژگانی که دلالت بر این نوع ساختمان داشته باشند به کار نرفته است. البته در روایتی از قربانی کردن، فضایی شبیه به چهارطاقی به تصویر کشیده شده است. روایتی از قربانی کردن برای باد توسط اهورامزدا به دست آمده که وی بر تختی زرین در زیر سایبانی زرین که بر ستون‌هایی قرار دارد برای باد قربانی کرده است (اعتماد مقدم ۲۵۳۵، ۳۴). داستان قربانی اهورامزدا برای ویو (باد) در مکانی قابل تشبیه به چهارطاق صورت گرفته است. باز بودن هر چهار درگاه چهارطاقی‌های منفرد به جریان یافتن باد درون بنا کمک می‌کند. موقعیت قرارگیری چهارطاقی‌ها بر فراز بلندی — تپه یا قله کوه — بر شدت جریان باد در درون چهارطاقی‌ها می‌افزاید به گونه‌ای که جریان باد درون چهارطاقی‌های منفرد در مقایسه با محوطه اطراف آن به طور محسوسی بیشتر است. ستایش‌هایی در مدح خدای باد در اوستا موجود است. ستایش خدای باد در دین زرتشت و قربانگاه او در داستان مذکور، بر امکان وجود معبد یا قربانگاهی به شکل سایبان (چهارطاق منفرد) دلالت دارد. از جمله در فرگرد ۱۹ وندیداد اهورامزدا به زرتشت چنین می‌گوید: "ای زرتوشت (زرتشت) زروان بی‌کرانه و ویو (باد) دارنده کردار عالی را ستایش کن" (کریستن سن ۱۳۸۲، ۱۵۱).

در این فقره علاوه بر باد، زروان نیز شایسته تقدیر دانسته شده و ستایش آن به زرتشت سفارش شده است. طبق گفته ائودوموس رودیوس<sup>۴</sup> — از شاگردان ارسطو — در میان مغان و همه نژاد آریایی برخی حقیقت واحد را مکان و برخی دیگر زمان — زروان — می‌نامند که از آن، دو گوهر پدید آمد؛ یکی، خالق خیر و دیگری شر (کریستن سن ۱۳۸۲، ۱۴۱). زروان در اساطیر ایرانی، پدر اهورا مزدا و اهریمن است. اگر چه در اوستا به زروان کمتر پرداخته شده، شخصیت او در دیگر متون پهلوی برجسته است. سپهر چرخ‌گون را تن زروان فرض کرده‌اند (آموزگار ۱۳۷۴، ۳۱) و او را صاحب آسمان دانسته‌اند که علائم منطقه البروج بر جسم او حک شده است. زروان‌باوری را نمی‌توان دین تازه‌ای در برابر زرتشت به حساب آورد بلکه تلقی دیگری از مسئله خیر و شر و به تعبیر دیگر، نوعی مذهب کلامی در آئین زرتشت به شمار می‌رود (زرین کوب ۱۳۶۶، ۴۸۷). تا کنون خبری قطعی از وجود معابدی برای زروان بدست نیامده است اما با توجه به آنکه زروان به معنای زمان است و گستره حضور او در عالم آسمان‌ها است برخی محققان از جمله رضا مرادی غیاث‌آبادی احتمال معبد زروان بودن چهارطاقی‌های منفرد را مطرح کرده‌اند.<sup>۵</sup> برای اثبات این ادعا شاهدهی در دست نیست؛

علاوه بر آن با توجه به رونق محدود فرقه زروانیه و فقدان حمایت جدی آن از سوی حکومت مرکزی ساسانیان، نسبت دادن ابنیه چهارطاقی منفرد به معبد زروان صحیح به نظر نمی‌رسد. در متن‌های اسلامی، اولین کاربرد واژه چهارطاقی مربوط به قرن پنجم هجری در سفرنامه ناصر خسرو است؛ «[خشاب] چهار چوب است عظیم از ساج، چون هیئت منجیق نهاده‌اند، مربع، که قاعده آن فراخ باشد و سر آن تنگ، و علو آن از روی آب چهل گز باشد. [...] و بر سر آن چهار طاقی ساخته که دیدبان بر آنجا شود» (ناصر خسرو ۱۳۷۳، ۱۶۲). «و هم این {پسر} شاد دل بر سر جبل الرحمه چهار طاقی ساخته عظیم، که روز و شب عرفات، بر گنبد آن خانه چراغ‌ها و شمع‌های بسیار بنهند که از دو فرسنگ بتوان دید» (ناصر خسرو ۱۳۷۳، ۱۳۹).

قبة و چهار طاقی بر دکان یا سکوی واقع در میان جامع بیت المقدس در فاصله بیست ارش از قبة جبرئیل و آن گنبد بر سر چهار ستون مرمری قرار دارد و گویند در شب معراج پیغمبر اکرم از قبة صخره به این قبة آمده، و بر براق نشسته است» (ناصر خسرو ۱۳۷۳، ۲۴۲). «و در این راه بیابان به هر دو فرسنگ گنبدک‌ها ساخته‌اند و مصانع، که آب باران در آنجا جمع شود به مواضعی که شورستان نباشد ساخته‌اند. و این گنبدک‌ها به سبب آن است تا مردم راه گم نکنند، و نیز به گرما و سرما لحظه‌ای در آنجا آسایشی کنند. و در راه ریگ روان دیدیم عظیم، که هر که از نشان بگردد، از میان آن ریگ بیرون نتواند آمدن و هلاک شود» (ناصر خسرو ۱۳۷۳، ۱۶۸).

ناصر خسرو در سفرنامه‌اش به وصف دو خشاب در میان آب‌های خلیج فارس با طرح چهارطاقی، یک چهارطاقی در تپه مشرف به صحرای عرفات، و دیگری در نزدیکی بیت المقدس پرداخته است. وی همچنین از ابنیه‌ای به نام گنبدک یاد کرده که بر طبق توصیفات دارای خصوصیات چهارطاقی‌ها است؛ بنابراین نام‌های دیگر چهارطاقی در این سفرنامه خشاب و گنبدک است. در تاریخ بیهقی (قرن ۵ ه.ق)، از ساخت چهارطاقی چوبی یاد شده است: «و چارطاقی‌ها بساختند از چوب سخت بلند» (بیهقی ۱۳۷۸، ۴۵۰).

همچنین محمدبن منور میهنی (قرن ۶ ه.ق) از چهارطاقی نیمه ویرانی در قبرستان حیره یاد کرده است: «... کیسه زر را [پیش شیخ بردم و بنهادم. شیخ گفت: «آنجا بمنه. بردار و می‌شو تا به گورستان حیره. آنجا چهارطاقی است نیمی افتاده. در آنجا شو، پیری است در آنجا خفته. سلام ما بدو برسان و این زر به وی ده. گو: چون این برسد بر ما آی تا دیگر دهیم، و ما اینجا ایم تا تو باز آیی» (محمد بن منور میهنی ۱۳۷۶، ۱۰۷).

واژه چهارطاقی در رساله معماریه مترادف «ایوان» و «قصر» در زبان عربی آورده شده و دیگر معادل‌های فارسی آن کوشک، سایه‌بان و تشیر ذکر شده است (قیومی، ۷۹-۷۳). در متون ترجمه شده از عربی به فارسی مانند *احسن التقاسیم* و *رحله ابن بطوطه* چهارطاقی به معنای سایبان به کار رفته است. ظاهراً در

عربی «ظله» و «عریش» را به معنای سایبان و از جمله چهارطاقی به کار می‌برده‌اند (ابن بطوطه ۱۳۷۶، ۵۱۲ و مقدسی ۱۳۶۱، ۶۶۹).

در دهه‌های اخیر بر کاربرد واژهٔ چهارطاقی افزوده شده است. یکی از علل رواج آن استعمال واژهٔ چهارطاقی توسط محققان غربی برای نامیدن این گونه بناست. در دورهٔ معاصر شماری از این گونه ابنیه علاوه بر شهرتهایی چون آتشکده و بقعه و ... به نام چهارطاقی نیز خوانده می‌شوند.

#### ۴- سابقهٔ کاربرد صورت چهارطاقی در ابنیهٔ ایران

چهارطاقی بنایی است با قاعدهٔ مربع‌شکل و متشکل از چهار طاق<sup>۶</sup> که گنبدی بر آنها قرار دارد.<sup>۷</sup> قدیمی‌ترین چهارطاقی یافت‌شده در ایران در مجموعهٔ آتشکدهٔ کوه خواجه است که مطابق پژوهش‌های شیپمن<sup>۸</sup> در دورهٔ اشکانیان نیز موجود بوده است. شواهد کاربرد طاق و گنبد در آثار معماری به پیش از این زمان باز می‌گردد؛ اما چهارطاقی این مجموعه، قدیمی‌ترین کاربرد ترکیب طاق و گنبد به صورت چهارطاقی در ایران است. در ابنیهٔ دورهٔ ساسانیان چهارطاقی به وفور یافت می‌شود؛ مجموعه‌های قلعه دختر (تصویر شماره ۱)، کاخ-آتشکدهٔ فیروز آباد، کاخ بیشاپور و تخت‌نشین فیروزآباد از کهن‌ترین بناهای شاخص دورهٔ ساسانی است که بخش‌هایی از بنا در آنها دارای طرح چهارطاقی است.<sup>۹</sup> علاوه بر این چهارطاقی‌های کوچکتری به صورت منفرد یا در جوار تعدادی فضای دیگر در سرزمین ایران پراکنده است. تعدد بناهایی با طرح چهارطاقی در دورهٔ ساسانیان نشان از رونق کاربرد این طرح در معماری ساسانی است.

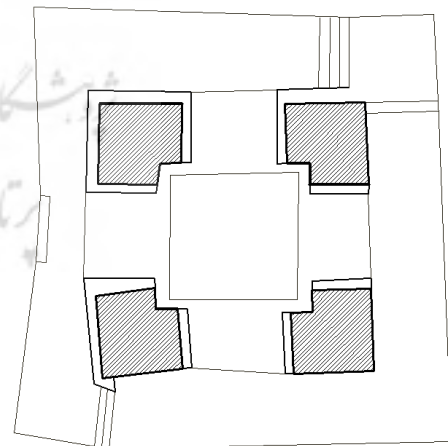


تصویر ۱: بخشی از چهارطاقی قلعه دختر فیروزآباد (گلدار ۱۳۸۸، ۲۱)

کهن‌ترین آثار معماری با طرح چهارطاقی ظاهراً مربوط به دورهٔ اشکانیان و نخستین کاربرد واژهٔ چهارطاقی قرن پنجم هجری است<sup>۱۰</sup>؛ به بیان دیگر میان قدیمی‌ترین کاربرد طرح و واژهٔ چهارطاقی حدود شش قرن فاصله است. بنابراین پیش از سدهٔ پنجم هجری واژهٔ چهارطاقی کاربرد محدودی داشته است و چهارطاقی با

نام یا نام‌های دیگری خوانده می‌شده است. با توجه به تعدد ابنیه چهارطاقی در دوره ساسانیان و نیز تداوم حضور آنها در دوره اسلامی، متون ساسانی و سده‌های نخست اسلامی برای یافتن نام‌های احتمالی چهارطاقی‌ها در آن دوره بررسی شدند. در متن‌های ساسانی از ساخت چند دخمه و ده‌ها آتشکده یاد شده است. با توجه به ویژگی‌های ساختمان دخمه‌ها و تفاوت آن با کالبد چهارطاقی‌ها نمی‌توان لزوماً دخمه را نام دیگر چهارطاقی دانست. در متون ساسانی بیش از همه به نشانیدن آتش در آتشکده اشاره شده؛ خبر احداث ده‌ها آتشکده بهرام و چند آتشگاه در کارنامه اردشیر پاپکان و کتیبه‌های ساسانی آورده شده است؛ در دوره معاصر نیز شماری از چهارطاقی‌ها به آتشکده و آتشگاه شهرت دارند.

در متون سده‌های نخست اسلامی نیز از آتشکده‌های بسیاری بجا مانده از دوره ساسانیان یاد شده است. مکان اغلب آنها نامعلوم است و اثری از کالبد برخی دیگر یافت نشده است. در معدود مواردی کالبد و مکان آتشکده‌های ذکر شده در متون شناسایی شده است؛ از جمله آتشکده آذرگنسب و نیاسر (تصاویر شماره ۲ و ۳). آتشکده در مجموعه آذرگنسب، طرح چهارطاقی دارد و نیاسر نیز چهارطاقی منفرد است. همچنین در متون اسلامی، متروک و ویران شدن شماری از آتشکده‌ها بیان شده است که با شرایط کالبدی بسیاری از چهارطاقی‌های آسیب دیده و ترک شده تطابق دارد. تغییر کارکرد برخی آتشکده‌ها به مسجد از دیگر اخباری است که در کتب اسلامی یافت می‌شود. در میان چهارطاقی‌ها نیز مواردی این چنین دیده می‌شود؛ برای مثال چهارطاقی‌های ابرقو، ایزدخواست و عقدا به مسجد تبدیل شده‌اند. در این موارد چهارطاقی با تغییرات کالبدی از بستن طاق رو به قبله، تعبیه محراب، تا افزوده شدن شبستان و صحن، به گنبدخانه مسجد تبدیل شده است.



تصویر ۲: (بالا، چپ) چهارطاقی نیاسر، (گلدار ۱۳۸۸، ۲۳)

تصویر ۳: (بالا، راست) پلان چهارطاقی نیاسر، (گلدار ۱۳۸۸، ۲۳)



## ۵- نتیجه‌گیری

چهارطاقی واژه‌ای است از واژگان معماری که به صورت بنایی مربع گنبدپوش و محصور به چهار طاق اشاره دارد. اگر چه قدمت این واژه کمتر از قدمت کاربرد صورت معماری آن است؛ از آنجا که این واژه حامل قضاوتی درباره ماهیت و کارکرد این گونه بنا نیست و بر صورت و کالبد آن دلالت می‌کند برای مقصود این تحقیق بر دیگر اسامی رایج از جمله آتشکده، آتشگاه، کاخ و بقعه برتری دارد. کاربرد این واژه در زبان فارسی به سده‌های نخست پس از اسلام باز می‌گردد. کاربرد آن در دو قرن اخیر رونق گرفته و امروز به نامی رایج برای این گونه ابنیه بدل شده است.

چهارطاقی با طرح ازلی‌اش بیش از دو هزار سال است که در میان آثار معماری ایران دیده می‌شود. نخستین نمونه به‌جا مانده با طرح چهارطاقی متعلق به دوره اشکانی است. دوره رونق ساخت چهارطاقی‌ها در زمان ساسانیان است. علاوه بر چهارطاقی‌هایی که از آن دوران در دوره اسلامی پا بر جا بوده‌اند، طرح چهارطاقی در برخی ابنیه از جمله مقابر و مساجد دوره اسلامی به کار رفته است. با وجود تداوم در کاربرد طرح چهارطاقی در ایران به مدت بیش از دوهزار سال، نام آن دارای ابهام است. در دوره معاصر نام‌هایی چون چهارطاقی، آتشکده، آتشگاه و بقعه بیش از همه برای نامیدن چهارطاقی‌ها به کار می‌رود. سابقه کاربرد نام چهارطاقی به سده پنجم هجری باز می‌گردد؛ کم بودن شواهد کاربرد واژه چهارطاقی در متون اسلامی و فقدان آن در دوره ساسانی بر این احتمال می‌افزاید که چهارطاقی‌ها نام‌های دیگری داشته‌اند. کالبد تعدادی از آتشکده‌های یاد شده در متون ساسانی و اسلامی دارای طرح چهارطاقی است. از سوی دیگر شهرت برخی از چهارطاقی‌ها آتشکده است. با در نظر داشتن تعدد چهارطاقی‌ها در دوره ساسانی این فرضیه قابل طرح است که برخی از آتشکده‌های دوره ساسانی چهارطاقی بوده‌اند. آنچه این فرضیه را قوی‌تر می‌کند موضوع آتشکده‌های تبدیل شده به مسجد است که طرح چهارطاقی دارد و اخبار آن در متون اسلامی آورده شده است. همچنین در متونی، چهارطاقی با نام گنبدک نامیده شده است؛ بنابر این علاوه بر نام چهارطاقی، آتشکده، آتشگاه، خشاب و گنبدک از نام‌هایی است که در متون ساسانی و اسلامی برای نامیدن بناهای چهارطاقی به کار رفته است.

## پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup>- این مقاله، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته مطالعات معماری ایران در دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «چهارطاقی ساسانی: جستجوی کالبد و معنا» است که در سال ۱۳۸۸ با راهنمایی جناب آقای دکتر مهرداد قیومی بیدهندی و مشاوره جناب آقای ناصر نوروززاده چگینی به انجام رسیده است.

<sup>۲</sup>- صورت‌های نوشتاری «چهارطاقی»، «چهارتاقی»، «چارطاقی»، «چارتاقی»، «چهارطاق» و «چارطاق» معادل یکدیگرند. در این تحقیق صورت نوشتاری «چهارطاقی» به کار می‌رود.

<sup>۳</sup>- در این نوشتار، تنها نتیجه جستجوی متون برای یافتن واژه چهارطاقی به معنای مورد نظر این تحقیق آورده شده است.

## 4- Eudemus Rhodios

۵ - مرادی غیاث آبادی. در گفتگوی شخصی با نگارنده در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۴.

۶ - مراد از طاق در این تحقیق، قوس عمیق است نه سقف قوسی شکل.

۷ - شاید سرنمون بنا با طرح چهارطاقی در فرهنگ ایران پس از اسلام گنبدخانه‌ای در بهشت باشد. بنابر برخی روایات، پیامبر اسلام (ص) در شرح معراج خود از گنبد مروارید عظیمی بر قاعده مربع سخن گفته که بر چهار ستون در کنج‌ها قرار داشت و رمز چهار پاره قرآن (بسم، الله، الرحمن، الرحیم) بر آن نوشته بود (اردلان و بختیار، ص ۳۱). این طرح مطابق با چهارطاقی‌ست.

## 8- Schippmann

۹ - ویژگی‌های کالبدی دخمه‌ها در متونی که به بیان آداب و رسوم زرتشتیان پرداخته آورده شده است؛ از جمله در کتب مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان نوشته موبد اردشیر آذر گشسب، و زرتشتیان نوشته کتابیون مزداپور.

۱۰ - ابن فقیه همدانی در البلدان (قرن سوم هجری) از واژه «شهارطاق» (چهارطاق) استفاده کرده است. (ویراستار)

## منابع

- آموزگار، زاله. (۱۳۷۴). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).  
 ابن بطوطه، محمدبن عبدالله اللواتی الطنجی. (۱۳۷۶). رحله ابن بطوطه. ترجمه محمد علی موحد. تهران: آگه.  
 اردلان، نادر، و لاله بختیار. (۱۳۸۰). حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه حمید شاهرخ. تهران: خاک.  
 اعتماد مقدم، علیقلی. (۲۵۳۵). آیین و رسم‌های ایران باستان بر بنیاد شاهنامه فردوسی. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.  
 بیهقی، محمد بن حسین. (۱۳۷۸). تاریخ بیهقی. مصحح خلیل خطیب رهبر. تهران: زریاب.  
 دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.  
 زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). تاریخ مردم ایران (کشمکش با قدرت‌ها). تهران: امیر کبیر.  
 شکوهی، مهرداد، و ناصر نوروز زاده چگینی. (۱۳۷۰). تبدیل دو آتشکده به مسجد. باستانشناسی و تاریخ، شماره دوم: ۵۲-۶۶.  
 عمید، حسن. (۱۳۵۸). فرهنگ عمید، فرهنگ مفصل و مصور. تهران: امیر کبیر.  
 قیومی بیدهندی، مهرداد. واژه‌های معماری در رساله معماریه. رواق، شماره دوم: ۶۹ - ۸۱.  
 کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۸۲). مزداپورستی در ایران قدیم، تحقیقات در باب کیش زرتشتی ایران باستان. ترجمه ذبیح‌الله صفا. تهران: هیرمند.  
 گلدار، فاطمه. (۱۳۸۸). «چهارطاقی ساسانی: جستجوی کالبد و معنا»، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی. به راهنمایی دکتر مهرداد قیومی بیدهندی و مشاوره آقای ناصر نوروززاده چگینی.  
 محمدبن منور میهنی. (۱۳۷۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.  
 معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.  
 مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.  
 ناصر خسرو. (۱۳۷۳). سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی با حواشی و تعلیقات و فهرس اعلام تاریخی. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: زوار.  
 نرم‌افزار جغرافیای جهان اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

Schippmann, Klaus. (1971). *Die Iranischen Feuerheiligtümer*. Berlin-New York: Walter de Gruyter.